

« زن و مطالعات خانواده »

سال هفتم - شماره بیست و نهم - پاییز ۱۳۹۴

ص ص: ۱۳۵-۱۵۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۴

مقایسه رضایت جنسی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و تصویر بدن در زنان متاهل شاغل و خانه دار

ایران مهدیزادگان

زینب شریفی رنانی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه رضایت جنسی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و تصویر بدن در زنان متاهل شاغل در بانک های دولتی و زنان خانه دار شهر اصفهان انجام گرفت. روش تحقیق حاضر علی مقایسه ای و جامعه ای آماری پژوهش متشکل از زنان متاهل شاغل در بانک و بانوان خانه داری میباشد. حجم نمونه شامل ۶۸۰ نفر که از میان آنان ۲۹۰ نفر شاغل و ۳۹۰ نفر خانه دار به روش نمونه گیری در دسترس (سهل الوصول) انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های رضایت جنسی هادسون (۱۹۸۱)، تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، صمیمیت زناشویی باگروزی (۲۰۰۱) و تصویر بدن لیتلتون (۲۰۰۵) استفاده شد. برای تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه ها از آزمون t برای گروه های مستقل استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که بین زنان شاغل و خانه دار در میزان رضایت جنسی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و تصویر بدن تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که زنان شاغل در هر چهار متغیر نتایج بهتری را گزارش کرده اند.

واژه های کلیدی: رضایت جنسی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی، زنان شاغل، زنان خانه دار.

۱. عضو هیات علمی، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران. (نویسنده

مسول) iranmehdizadegan@ Khuisf. ac. ir

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

مقدمه

خانواده اولین هسته اجتماع و اساسی ترین بنیان جوامع است که افراد هر اجتماعی در بستر آن رشد و نمو پیدا کرده‌اند و از آن طریق وارد جامعه می‌شوند. خانواده را موسسه یا نهاد اجتماعی معرفی کرده‌اند که ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسانها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است (عدالتی و ردزوان، ۲۰۱۰). یکی از نیازهای عاطفی زوج‌ها، روابط توأم با صمیمیت است که منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی است (ابراهیمی، ثنایی، نظری، ۱۳۹۰). ازدواج نیز مانند هر مفهومی ویژگی‌هایی دارد که توسط آن ویژگی‌ها شناسایی و مطرح می‌گردد. صمیمیت مداوم یکی از پیش نیازهای مهم خلق یک ازدواج ماندگار است. تحقیقات بسیار زیادی صورت گرفته است که رابطه بین متغیرهای این پژوهش را مورد مطالعه قرار داده‌اند که این موضوع بیانگر اهمیت بحث و گفتگو در این زمینه را نشان می‌دهد. صمیمیت و رضایت جنسی دو متغیری هستند که پژوهش‌ها رابطه آن را معنادار نشان داده‌اند؛ نائینیان (۱۳۹۱)، بیان می‌کند رابطه صمیمیت و رضایت جنسی در زنان همبستگی متوسط و معنی دار نشان می‌دهد. سانچز (۲۰۱۴)، یکی از عوامل تاثیر گذار در رضایت جنسی را وجود روابط صمیمی بیان می‌کند شاکرمی (۱۳۹۳)، بیان می‌کند که آموزش جنسی، صمیمیت جنسی زنان متأهل را ارتقاء می‌دهد، باقیان (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند یکی از عوامل پیش‌بینی کننده رضایت جنسی عوامل بین فردی است که این عوامل عبارتند از: میزان تعارض‌هایی که بین زن و شوهر وجود دارد و تعارض نشان از کاهش صمیمیت و همچنین کاهش میزان تعهد زن و شوهر نسبت به یکدیگر می‌باشد. در مورد رابطه تعهد و رضایت جنسی نیز شاه‌سیاه (۱۳۸۸) بیان می‌کند که این دو متغیر نیز رابطه معناداری با یکدیگر دارند و همچنین هر چه طول مدت ازدواج کمتر و تحصیلات افراد بیشتر باشد رضایت جنسی بیشتر است. همچنین عملکرد جنسی پنهان در مردان و زنان با نگرانی کمتر آنها در مورد بدن‌هایشان مرتبط است (کش، ۲۰۰۴). بخت و نجفی (۲۰۱۰) در پژوهش خود با هدف تاثیر تصویر بدن بر عملکرد جنسی با این موضوع اشاره کرده‌اند؛ نتایج این تحقیق که مقایسه‌ای بود بین زنانی که سینه‌هایشان را به علت سرطان عمل کرده بودند و زنان سالم نشان داد که تاثیر تصویر بدن بر میل، تحریک جنسی و رضایت جنسی در دو گروه بطور معناداری متفاوت بوده است. سانچز، ایگلیاس و سیرا^۲ (۲۰۱۴) در یک بررسی سیستماتیک از رضایت جنسی در بین ۱۹۷ مقاله علمی بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۴ به این عوامل تاثیر گذار در رضایت جنسی دست یافتند:

۱. متغیرهای فردی مانند ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی و نیز وضعیت سلامت جسمانی و روانی
۲. متغیر روابط صمیمی

1. Edalati & Redzduan

2. Sanchez, Iglesias & Sierra

۳. متغیر مربوط به حمایت اجتماعی - روابط خانوادگی

۴. متغیر مربوط به باورها و ارزشهای فرهنگی مانند مذهب

آنها مشاهده کردند که رضایت جنسی یک عامل کلیدی در سلامت جنسی افراد است. تعهد در زندگی زناشویی اعتماد و صمیمیت را امکان پذیر می‌سازد چگونه یک فرد می‌تواند در شرایطی که احساس می‌کند ارزشیابی می‌شود، صمیمیت و اعتماد خود را به دیگری حفظ کند اما اگر بداند و عمیقاً اعتقاد داشته باشد که همسرش او را ترک نخواهد کرد، و پایبند به ازدواج با او خواهد ماند، تفاوت بسیار بزرگی ایجاد می‌شود. تنها در این صورت است که می‌تواند مطالبی از خود را با همسرش در میان بگذارد که در شرایطی غیر از این امکان آن وجود نمی‌داشت. تعهد و سپاس در قبال ازدواج ترس از ترک شدن و تنها ماندن را به حداقل می‌رساند. این ترس روی بسیاری از اشخاص تاثیر تعیین کننده دارد. سوگند باقی ماندن در ازدواج اشخاص را از تشویش نجات می‌دهد. همسر فرد در سخت‌ترین شرایط یار و یاور او باقی خواهد ماند. این تعهد به شخص امکان می‌دهد تا خودش باشد و ترسی از ترک شدن نداشته باشد (اسماعیل بیگی و غلام‌رضایی، ۱۳۸۸).

پژوهشگران زیادی برای پاسخگویی به این سوال که چرا بسیاری از زوجین علی‌رغم فقدان رضایتمندی زناشویی همچنان به همسر و ازدواج خود پایبند و متعهد باقی می‌مانند، تلاش کردند تا از طریق ارائه مدل‌های مختلف به مفهوم سازی و تبیین تعهد زناشویی بپردازند. به دنبال این امر، مدل‌های نظری مختلف، مقیاس‌ها و روشهای ارزیابی متعدد تعاریف و مولفه‌های زیادی پیرامون تعهد زناشویی مطرح شد (هارمون^۱، ۲۰۰۵). اصولاً روابط زوج بر اساس چهار پایه‌ی اصلی، ارتباطات عاطفی، ارتباطات شناختی (فکری)، ارتباطات اقتصادی و ارتباطات جنسی شکل می‌گیرد. هر گونه اختلال در فرایند دو طرفه ارتباطات می‌تواند زمینه‌ای جهت بروز مشکلات و تزلزلی در تحکیم خانواده باشد. ارتباطات جنسی اصل اساسی جهت سلامت روان و بقای نسل سالم است (آرمان، حسن‌زهرایی، ۱۳۸۲). مطالعات بیانگر آن است که بین رضایت جنسی و تعهد زناشویی، همبستگی مثبتی وجود دارد. امروزه رضایت جنسی از ازدواج و تأهل به عنوان متغیری دو سویه به عنوان شاخص مناسبی برای ثبات ازدواج مشخص گردیده است. به طور کلی، زوج‌هایی که رضایت جنسی کمتری در مورد ازدواج خود دارند به دنبال آسودگی خود به واسطه طلاق می‌باشند، اما شرایط و موقعیت‌هایی وجود دارد که در آن یک زوج از وضعیت ازدواج خود رضایت کمی داشته است، اما به خاطر تعهد زناشویی بالا، این شرایط را تحمل می‌کنند (تامسون و استوارت^۲، ۲۰۰۷). همچنین با توجه به اینکه در جوامع امروزی بحث بدن یکی از مباحث رایج در سال‌های اخیر بوده است، بر خلاف گذشته که بدن تنها در علوم زیستی و پزشکی

1. Harmoon

2. Thomson & Stewart

مطالعه می‌شد، امروزه به موضوع مورد علاقه در روان شناسی و جامعه شناسی تبدیل شده است (فالون، ۱۹۹۰)^۱.

تغییر نقش‌های سنتی زنان و تقاضای روزافزون آن‌ها برای مشارکت در عرصه‌های مختلف، به واقعیتی انکارناپذیر در جامعه‌ی ایران تبدیل شده است (روحانی و همکاران، ۲۰۱۰). شمار زنان شاغل، طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ نزدیک به ۳ برابر شده و از ۹۹۸۰۰۰ نفر به ۲۷۸۲۰۰۰ نفر رسیده است (مرکز آمار ایران، ۲۰۰۹). اما با وجود گسترش نسبی اشتغال زنان، هنوز هم کار خارج از خانه‌ی زنان، موضوعی مناقشه برانگیز است. در حالی که سازگاری زنان با هر دو نقش (کار کردن در خانه و بیرون) به عواملی چون شخصیت، روابط خانوادگی، نوع کار آن‌ها، رضایت از ازدواج، حمایت از جانب همسر و خانواده‌ی آن‌ها بستگی دارد. تعارضات پیش آمده در این موقعیت‌ها، می‌تواند بر کیفیت زندگی، شغل و خانواده، تاثیر منفی گذارد و میزان رضایت فرد از زندگی را پایین آورد. (دگسبوری و همکاران، ۱۹۹۱). به نقل از عسگری، پاشا و آذر کیش، (۱۳۹۰). در ابتدا انگیزه اصلی زنان برای کار مسائل مالی و کمک به وضعیت اقتصادی خانواده بوده، ولی امروزه علاوه بر موارد فوق، اشتغال برای زنان به منبعی برای افزایش عزت نفس، کسب استقلال و همچنین موفقیت‌های فردی و اجتماعی تبدیل شده است (جوهری پارک، ۲۰۰۰ به نقل از روحانی و ابوطالبی، ۱۳۸۸).

اشتغال زنان و تاثیر آن بر رضایت زناشویی از دو بعد قابل بررسی می‌باشد؛ از یک طرف با شاغل شدن زنان میزان درآمد خانواده افزایش می‌یابد و منجر به ثبات وضعیت مالی و اقتصادی خانواده می‌شود و خانواده را از استرس‌های مالی دور می‌کند (راجرز و دی بوئر، ۲۰۰۱). از طرف دیگر - اشتغال زن و نیز افزایش درآمد وی - باعث تغییر نقش‌ها در روابط بین زوجین می‌شود، به طوری که برخی اوقات منجر به انزجار شوهر از اشتغال همسر خود و به نوعی انزجار شوهر از تلاش همسرش برای تغییر نقش‌ها در روابطشان می‌شود (بارتلی، جودگ و جودگ^۲، ۲۰۰۷). با اشتغال زن، زندگی مشترک به دلایل زیادی دچار تعارض می‌شود. از جمله مشکلات شناخته شده در این زمینه، می‌توان مسائل اقتصادی، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، دوستان، چگونگی صرف اوقات فراغت، به پایان رسیدن عشق متقابل، مشکلات عاطفی، درگیری‌های شغلی و ارتباط ناسالم در خانواده را نام برد (باغبان و مرادی، ۲۰۰۵). یکی از موضوعات مورد توجه در زمینه‌ی سلامت روان زنان، پی آمد‌های روان شناختی اشتغال زنان است. برخی معتقدند که اشتغال زنان باعث افزایش شناخت نسبت به خود، که یکی از پایه‌های عمده سلامت روان است، و نیز افزایش منابع ایجاد احساس رضایت و دریافت پاداش می‌شود. زنان شاغل بدین وسیله، امکان انجام فعالیت‌های مقبول و ارزشمند اجتماعی را که سبب افزایش عزت نفس است،

1 . Fallon

2 . Bartly, Judge & Judge

پیدا می‌کنند (بیتی، ۱۹۹۶). ناتاوات و ماتور^۱ (۲۰۱۰)، نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که زنان شاغل نمرات بالاتری در میزان عزت نفس و سازگاری زناشویی نسبت به زنان خانه‌دار کسب کردند. گیلن^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی که هدف آن بررسی روابط بین تصویر مثبت بدن با شاخصه‌های متنوع ذهنی و جسمی سلامت محور در هر دو گروه زنان و مردان بوده است، ۲۸۴ نفر از دانشجویان دوره‌ی کارشناسی یک دانشکده غیر مسکونی در شمال شرقی ایالات متحده را مورد بررسی قرار دادند. گزارش‌ها حاکی از آن بود که افراد دارای تصویر مثبت بدنی قوی‌تر با افسردگی کمتر، خود باوری بالاتر، با عادات ناسالم غذایی کمتر، تمایل کمتر برای مردانه بودن و تمایل بیشتر برای محافظت از پوست خود در برابر اشعه مضر آفتاب و زیان‌های آن هستند. جنسیت نقش اساسی در این روابط نداشت بنابراین ارتباط بین تصویر مثبت بدن و شاخص‌های سلامت محور برای زنان و مردان مشابه بوده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که تصویر مثبت بدن الزام مهمی برای سلامت و بهروزی فراتر از ابعاد واقعی بدن دارد. در انتها پژوهش‌گر اشاره می‌کند که با وجود منافع بالقوه‌ای که داشتن تصویر مثبت از بدن برای سلامتی دارد، دست اندر کاران سلامت باید مشوق جدی آن باشند. به گفته مینوت و همکاران (۲۰۱۰) نیز رضایت زناشویی که صمیمیت یکی از مولفه‌های مهم آن است، بر روی سایر نقش‌های زوجین مانند نقش والدینی و نقش کار تاثیر گذار است. هاک^۳ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که زنان صمیمیت را به صورت عشق، عاطفه، ابراز احساسات گرم نشان می‌دهند و مردان صمیمیت را بیشتر در مشارکت در فعالیت‌ها، تماس بدنی، صمیمیت در گذران وقت و رفتارهای جنسی می‌دانند.

آبوت و باربر^۴ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان تصویر بدن؛ تفاوت‌های جنسی در تصویر بدنی ابزاری و زیبا شناختی در میان جوانان استرالیایی، اذعان می‌دارند، کارکرد بدن برای مردان بیشتر به صورت یک ابزار است، ابزاری که از طریق آن قدرت و نفوذ حاصل از نقش جنسیتی خود را اعمال می‌کنند درحالی‌که همین بدن برای زنان کارکردی جنسیتی دارد. بنابراین بر اساس جاذبه‌های جنسیتی و زیبا شناختی ارزیابی می‌شود. این مطالعه بر روی ۱۵۲۶ زن و مرد ۱۲ تا ۱۷ ساله انجام گرفته و ایشان پس از کنترل متغیرهایی چون سن، دوره بلوغ و شاخص توده بدنی دریافتند که تصویر بدنی در زنان با جنبه‌های زیبا شناختی و در مردان با جنبه‌های ابزاری همبستگی معناداری دارد، نویسندگان در ادامه اشاره می‌کنند که نتیجه چنین فرایندی آن است که زنان و مردان بر پایه ابعاد متفاوتی از بدن، دست به ارزیابی آن می‌زنند. لذا در جوامعی که به صورت جنسیتی شکل گرفته است، میزان توجه افراد به بدن در میان دو

1 .Nathawat & Mathur

2 . Gillen

3 . Hook

4 .Abbott & Barber

جنس متفاوت است و انتظارات متفاوتی از زن و مرد وجود دارد و انتظارات اجتماعی مرتبط با بدن درباره زنان بیشتر و جدی تر است. در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد بدن برای زنان در مقایسه با مردان اهمیت بیشتری داشته است (وید و کوپر^۱، ۱۹۹۹؛ وید و ایتز^۲، ۱۹۹۷).

اریلماز و اتاک^۳ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین صمیمیت در بزرگ سالی با عزت نفس و جنسیت پرداختند نتایج این پژوهش نشان داد که از نظر آماری رابطه‌ی معناداری بین صمیمیت، جنسیت و نقش‌پذیری جنسیت و عزت نفس وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان نمرات بالاتری در ادراک خود، رفتارهای صمیمانه و صمیمیت‌شناختی و عاطفی و گفتن مطالب عاشقانه کسب کردند. همچنین تفاوت‌های معناداری بین زنان و مردان در دوره‌های مختلف خودشناسی و خودآگاهی وجود دارد. مارشال^۴ (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی فرهنگ در صمیمیت زناشویی با تاکید بر نقش‌های جنسیتی و اعتقاد به فردیت‌گرایی و جمع‌گرایی پرداخت. نتایج حاکی از این است زوجینی که به طور سنتی نقش‌پذیری جنسیتی دارند، خودافشایی کمتر و سطح صمیمیت پایین‌تری دارند. در این ارتباط اشتغال زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همان‌طور که عوامل و انگیزه‌های اشتغال گوناگون می‌باشد، تاثیرگذاری این پدیده نیز بر فرد، جامعه، خانواده و فرزندان متفاوت است (نساجی، ۲۰۰۳). اشتغال زنان که می‌تواند یکی از عوامل ایجاد تعارض در بین زوجین باشد، بر ساخت خانواده، روابط سنتی زوجین و سرنوشت کودکان تاثیر انکارناپذیر دارد، به‌ویژه این‌که زنان تلاش می‌کنند تا زندگی خانوادگی را بر اساس نوع شغل خود برنامه‌ریزی کنند. همچنین زنان نمی‌توانند از روابط خانوادگی و وظایف عمده‌ای که در شبکه‌ی ارتباطی خانواده و روابط با اعضای خانواده دارند، غفلت ورزند (توسلی، ۲۰۰۷). رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله‌ی رضایت وی از خانواده به‌شمار می‌رود و در نتیجه تسهیل در امر رشد، تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه خواهد شد. بنابراین، آگاهی زوجین از نیازهای زیستی و روانی یکدیگر و آشنایی با چگونگی ارضای درست این نیازها جهت پیش‌گیری از بروز تعارضات در بین زوجین امری ضروری است (تیمجیت و همکاران، ۲۰۰۸).

بنابراین براساس مرور مبانی نظر پژوهش‌میتوان چنین نتیجه‌گیری نمود که اشتغال زنان میتواند رضایت جنسی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و تصویر بدن را در زنان تحت تاثیر قرار دهد و براین اساس هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سوال است که آیا تفاوتی در میزان رضایت جنسی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و تصویر بدن در زنان متأهل شاغل و زنان خانه‌دار وجود دارد یا خیر؟

1. Wade & Cooper

2. Wade & Abetz

3. Erilmaz & Atak

4. Marshal

ابزار و روش

تحقیق حاضر با توجه به هدف پژوهش مبنی بر اینکه از نوع علی-مقایسه‌ای است و جامعه آماری پژوهش شامل زنان متاهل شاغل در بانک‌های شهر اصفهان (بانک‌های ملی، ملت، سپه، کشاورزی، صادرات، تجارت و رفاه) که جمعا به تعداد ۱۱۱۹ نفر، و زنان خانه دار شامل بانوان متاهل که برای دریافت و کسب آموزش‌ها و مهارت‌های هنری و یا شرکت در کلاس‌های ورزشی و همچنین خدمات رفاهی و تفریحی شهرداری به باغ‌های بانوان شهر اصفهان مراجعه می‌کردند و جامعه‌ای در حدود ۵۶۹۱۹ نفر را تشکیل داده‌اند. از میان جامعه مذکور بر اساس جدول حجم نمونه به حجم جامعه آماری میچل و جولی (۲۰۰۷) تعداد ۲۹۰ نفر از میان زنان شاغل و تعداد ۳۹۰ نفر از میان زنان خانه دار به روش نمونه‌گیری در دسترس (سهل الوصول) انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از چهار پرسشنامه به شرح زیر استفاده گردید:

پرسشنامه رضایت جنسی

این پرسشنامه در سال ۱۹۸۱ توسط هادسون - هریسون و کروسکاپ برای ارزیابی سطوح رضایت جنسی زوجین ساخته شد. این مقیاس دارای ۲۵ سوال می‌باشد. پاسخ آزمودنی به هر ماده آزمون در سطح یک مقیاس ۷ درجه‌ای بین ۰ تا ۶ مشخص می‌شود و در مجموع نمره آزمودنی‌ها در کل پرسشنامه بین ۰ تا ۱۵۰ در نوسان است. نمره بالا در این مقیاس منعکس کننده رضایت جنسی است و نمره پایین نشان می‌دهد که در زمینه مسائل جنسی فرد مشکل دارد. پایایی این مقیاس توسط طراحان با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و با روش باز آزمایی با فاصله یک هفته برابر ۰/۹۳ گزارش شده است. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه که برابر با ۰/۸۴ بدست آمد.

پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز

این پرسشنامه توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) ساخته شده است و شامل ۴۴ سوال است. در ایران شاه سیاه و همکاران (۱۳۸۷) اعتبار این پرسشنامه را تایید کرده اند. آنها پایایی این پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ گزارش کردند. نمره گذاری این پرسشنامه بر اساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای کاملاً مخالف، ۱ تا کاملاً موافق ۵ می‌باشد. نمره بالا منعکس کننده تعهد فرد به زندگی زناشویی می‌باشد و نمره پایین نشانه‌ای از وجود مشکل در میزان تعهد فرد به زندگی زناشویی می‌باشد. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه که برابر با ۰/۸۱ بدست آمد.

پرسشنامه صمیمیت زناشویی

این پرسشنامه توسط باگاروزی، در سال ۲۰۰۱ تهیه و تنظیم شده است و شامل ۴۱ سوال است. طیف پاسخگویی آن در هر سوال از عدد ۱ تا ۱۰ مشخص گردیده است. آزمودنی‌ها به شکلی رتبه بندی شده از ۱ به معنای " به هیچ وجه چنین چیزی وجود ندارد" تا ۱۰ به معنای " نیاز بسیار زیادی وجود دارد" به هر سوالات پاسخ می‌دهند. اعتمادی (۱۳۸۴) پایایی این پرسشنامه را با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش نموده است. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه که برابر با ۰/۹۳ بدست آمد.

پرسشنامه نگرانی از تصویر بدن

این پرسشنامه در سال ۲۰۰۵ توسط لیتلتون و همکاران طراحی شد و حاوی ۱۹ پرسش است که هر پرسش دارای پنج گزینه است که از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) نمره گذاری می‌شود که نمره بالا بیان‌کننده تصویر بدنی مثبت فرد از خود است و نمره پایین نشانه نگرانی فرد از تصویر بدنی خودش است. در ایران بساک نژاد و غفاری ۱۳۸۶ پایایی این آزمون را با استفاده روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵، انتظاری و علوی زاده (۱۳۹۰)، همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۸۹ گزارش کرده اند. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه که برابر با ۰/۸۰ بدست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

یافته‌های پژوهش حاضر با استفاده از آزمون لوین، جهت بررسی برابری واریانس‌های و آزمون کولموگروف اسمیرنف، برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها و برای مقایسه دو گروه زنان شاغل و زنان خانه‌دار از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شده است. تحلیل‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ انجام گرفته است.

یافته‌های پژوهش

داده‌های حاصل از این تحقیق با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ تحلیل و گزارش آن در قالب تحلیل‌های توصیفی و استنباطی ارائه شده است. الف- یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه در زنان کارمند و خانه دار در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در گروه‌های مورد مطالعه

متغیرها	گروه	M	SD
رضایت جنسی	زنان کارمند	۱۱۴/۶	۱۶/۲۱
	زنان خانه‌دار	۱۰۰/۹۸	۱۳/۸۹
تعهد زناشویی	زنان کارمند	۱۴۷/۸۴	۱۳/۹۸
	زنان خانه‌دار	۱۴۵/۲۷	۱۱/۹۶
صمیمیت زناشویی	زنان کارمند	۳۱۹/۶۳	۵۲/۰۳
	زنان خانه‌دار	۲۹۲/۵۴	۳۹/۱۳
تصویر بدن	زنان کارمند	۴۰/۹۸	۱۰/۸۱
	زنان خانه‌دار	۳۶/۸۶	۸/۴۹

چنان‌که در جدول ۱، مشاهده می‌شود میانگین رضایت جنسی در گروه زنان کارمند برابر با ۱۱۴/۶ و در گروه زنان خانه‌دار برابر با ۱۰۰/۹۸، میانگین تعهد زناشویی در گروه زنان کارمند برابر با ۱۴۷/۸۴ و در گروه زنان خانه‌دار برابر با ۱۴۵/۲۷، میانگین صمیمیت زناشویی در گروه زنان کارمند برابر با ۳۱۹/۶۳ و در گروه زنان خانه‌دار برابر با ۲۹۲/۵۴ و میانگین تصویر بدن در گروه زنان کارمند برابر با ۴۰/۹۸ و در گروه زنان خانه‌دار برابر با ۳۶/۸۶ بوده است. در جدول ۵، نتایج تحلیل آزمون t گروه‌های مستقل در خصوص مقایسه متغیرهای پژوهش در میان گروه‌های پژوهش ارائه شده است.

ب- یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش شامل نتایج آزمون t گروه‌های مستقل متغیرهای پژوهش در گروه‌های مورد مطالعه در جدول ۲، گزارش شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل متغیرهای پژوهش در گروه‌های مورد مطالعه

متغیر	شرط برابری و نابرابری واریانس‌ها	مقدار t	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین‌ها
رضایت جنسی	رعایت برابری واریانس‌ها	۱۱/۷۷	۶۷۸	۰/۰۰۱	۱۳/۶۲
	عدم رعایت برابری واریانس‌ها	۱۱/۵	۵۶۵/۵۶	۰/۰۰۱	۱۳/۶۲
تعهد زناشویی	رعایت برابری واریانس‌ها	۲/۵۸	۶۷۸	۰/۰۱	۲/۵۷
	عدم رعایت برابری واریانس‌ها	۲/۵۲	۵۸۴/۸۳	۰/۰۱	۲/۵۷
صمیمیت زناشویی	رعایت برابری واریانس‌ها	۷/۷۵	۶۷۸	۰/۰۰۱	۲۷/۰۹
	عدم رعایت برابری واریانس‌ها	۷/۴۴	۵۱۵/۴۶	۰/۰۰۱	۲۷/۰۹
تصویر بدن	رعایت برابری واریانس‌ها	۵/۵۵	۶۷۸	۰/۰۰۱	۴/۱۱
	عدم رعایت برابری واریانس‌ها	۵/۵۵	۶۳۲/۰۳	۰/۰۰۱	۴/۱۱

فرضیه اول پژوهش حاضر عبارت است از این که: بین رضایت جنسی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده به عمل آمد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در رضایت جنسی بین زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت معناداری ($p < 0/01$) وجود دارد. به معنای این که زنان کارمند نسبت به زنان خانه دار به میزان بیشتری رضایت جنسی را گزارش نموده‌اند. بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که بین رضایت جنسی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد، مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم پژوهش حاضر عبارت است از این که: بین تعهد زناشویی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در تعهد زناشویی بین زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت معناداری ($p < 0/01$) وجود دارد. به معنای این که زنان کارمند نسبت به زنان خانه دار به میزان بیشتری تعهد زناشویی را گزارش نموده‌اند. بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که بین تعهد زناشویی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد، مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم پژوهش حاضر عبارت است از این که: بین صمیمیت زناشویی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در صمیمیت زناشویی بین زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت معناداری ($p < 0/01$) وجود دارد. به معنای این که زنان کارمند نسبت به زنان خانه دار به میزان بیشتری صمیمیت زناشویی را گزارش نموده‌اند. بنابراین فرضیه سوم پژوهش مبنی بر این که بین صمیمیت زناشویی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد، مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه چهارم پژوهش حاضر عبارت است از این که: بین تصویر بدن در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد. چنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در تصویر بدن بین زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت معناداری ($p < 0.01$) وجود دارد. به معنای این که زنان کارمند نسبت به زنان خانه‌دار به میزان بیشتری تصویر بدن مناسب‌تری را گزارش نموده‌اند. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر این - که بین تصویر بدن در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد، مورد تایید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مقایسه رضایت جنسی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و تصویر بدن در زنان متاهل شاغل در بانک‌های دولتی و زنان خانه‌دار شهر اصفهان انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که زنان شاغل در میزان رضایت جنسی، صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی و داشتن تصویر مثبت از بدن خود در مقایسه با زنان خانه‌دار نتایج بهتری داشته‌اند و تفاوت معنی‌داری بین زنان شاغل و خانه‌دار وجود داشت. تبیین یافته‌های پژوهش به شرح زیر و جداگانه بر اساس فرضیه‌ها ارایه می‌شود:

فرضیه اول: بین رضایت جنسی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد. یافته‌های این پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار در رضایت جنسی بین زنان کارمند و زنان خانه‌دار با یافته‌های اسماعیل پور (۱۳۹۲) همسو و با یافته‌های ناتاوات و ماتور (۲۰۱۰) و آرمان و همکار (۱۳۸۲) همخوان می‌باشید. در تبیین این یافته چنین می‌توان بیان نمود که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار به دلیل تجارب، تعاملات اجتماعی، اطلاعات، دانش و آگاهی بیشتری در مورد جنسیت و مسایل جنسی از جمله جنبه‌های فیزیولوژیکی، عملکرد و رفتار جنسی فردی و بین فردی که دانش جنسی گفته می‌شود، دارند. در نتیجه، این آگاهی و دانش می‌تواند بهبود رابطه زناشویی و رضایت جنسی زوجین در میان زنان شاغل را در پی داشته باشد.

فرضیه دوم: بین تعهد زناشویی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد. یافته‌های این پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار در تعهد زناشویی بین زنان کارمند و زنان خانه‌دار با یافته‌های هنروران و همکاران (۱۳۹۰)، شاه سیاه (۱۳۸۸) و اسماعیل بیگی و همکار (۱۳۸۸) همخوان می‌باشید. در تبیین این یافته چنین می‌توان بیان نمود از آنجایی که تعهد در زندگی زناشویی اعتماد و صمیمیت را امکان‌پذیر می‌سازد و یکی از مولفه‌های پایبندی به ازدواج و نظام خانواده است، زنان شاغل به دلیل داشتن شغل و احساس استقلال مالی و رویارویی با واقعیت‌های جامعه نسبت به زندگی مشترک تعهد بیشتری احساس نموده و به دلیل روابط اجتماعی گسترده بیرون از خانواده، مهارت‌های ارتباطی قوی‌تر و ظرفیت بحث و گفتگوی منطقی‌تر و قدرت بیان بیشتر در زمینه‌های مختلف زندگی مشترک با همسران داشته و همین امر سبب تعهد و پایبندی بیشتر به استقرار نظام خانواده می‌گردد.

فرضیه سوم: بین صمیمیت زناشویی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد. یافته‌های این پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار در صمیمیت زناشویی در زنان کارمند و زنان خانه‌دار با یافته‌های مارشال (۲۰۱۳) و سانچز و همکاران (۲۰۱۴) همخوان می‌باشد. در تبیین این یافته چنین می‌توان بیان نمود از آنجا که صمیمیت یکی از مولفه‌های عشق و علاقه به نظام و پابندی خانواده است، زوجینی که به طور سنتی نقش‌پذیری جنسیتی دارند، خودافشایی کمتر و سطح صمیمیت پایتتری دارند، لذا زنان شاغل به دلیل اشتراک در وظایف و حس مشترک و حرکت موازی اشتغال با همسران در خودافشایی و ابراز مسایل زندگی مشترک به دلیل ارتباطات اجتماعی، اعتماد به نفس و خودبستگی بیشتری نشان می‌دهند. بنابر این، همین امر سبب ادراک صمیمیت زناشویی بیشتر در میان در زنان کارمند در مقایسه با زنان خانه‌دار می‌گردد.

فرضیه چهارم: بین تصویر بدن در زنان کارمند و زنان خانه‌دار تفاوت (معنادار) وجود دارد. یافته‌های این پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنادار در تصویر بدن در زنان کارمند و زنان خانه‌دار با یافته‌های کیوان آرا و همکاران (۱۳۹۱)، همخوان است. در تبیین بالاتر بودن تصویر بدنی زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار میتوان به این نکته اشاره نمود که براساس قوانین اسلامی به طور عام و قوانین موجود در ادارات به‌طور خاص، زنان شاغل بیشتر سعی در رعایت ارزش‌های فرهنگی جامعه در سبک لباس پوشیدن خود دارند (در مقایسه با پوشش زنان در محیط‌های دیگر). این امر می‌تواند به سطوح پایین‌تر استرس و اضطراب راجع به شکل بدن و رضایت بیشتر از آن منجر گردد. این نکته در پژوهش راست منش و همکاران (۲۰۰۹)، که نشان می‌دهد آن دسته از زنان ایرانی که از شیوه‌های پوشش و حجاب کامل‌تری استفاده می‌کردند، عزت‌نفس و رضایت از بدن بیشتری را گزارش کرده بودند، مورد تایید قرار گرفته است (به نقل از موحد و همکاران، ۱۳۹۰).

بنابراین می‌توان گفت زنان شاغل به موقعیت‌هایی دست پیدا کرده‌اند که زمینه افزایش رضایت زناشویی را در آنها فراهم ساخته است به عبارت دیگر، اشتغال زنان حوزه قدرت جدیدی است که در افزایش رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی موثر می‌باشد. شاید یکی از عوامل پایین بودن متغیرهای پژوهش حاضر در زنان خانه‌دار نیز به احساس محروم بودن آن‌ها از موقعیت‌هایی مربوط می‌شود که هم‌تایان شاغل آن‌ها از طریق اشتغال، به آن موقعیت‌ها دست یافته‌اند. اشاره به این نکته ضروری است که این چنین نتایجی بسیار امیدوار کننده و برای جامعه ما رضایت بخش است زیرا ما یک جامعه درحال توسعه هستیم که اگر زنان هم به نیروی کار جامعه اضافه شوند سرعت حرکت جامعه به سمت توسعه یافتگی افزایش چشم‌گیر خواهد داشت. شاید بتوان مهمترین عامل افزایش میزان این متغیرها را در زنان شاغل، نسبت به زنان دار را بالاتر بودن اعتماد به نفس آنها دانست. برخی معتقدند که اشتغال زنان باعث افزایش شناخت نسبت به خود، که یکی از پایه‌های عمده سلامت روان است، و نیز افزایش

منابع ایجاد احساس رضایت و دریافت پاداش می‌شود. زنان شاغل بدین وسیله، امکان انجام فعالیت‌های مقبول و ارزشمند اجتماعی را که سبب افزایش عزت نفس است، پیدا می‌کنند (بیتی، ۱۹۹۶).

منابع

- آرمان، س. حسن‌زهرایی، ر. (۱۳۸۹). **تشخیص و درمان اختلالات جنسی**، اصفهان: کنکاش.
- ابراهیمی، پ. ثنایی‌ذاکر، ب. نظری، ع. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر آموزش غنی سازی ارتباط بر افزایش صمیمیت زوج‌های هر دو شاغل. **مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان**، ۱۶: ۳۷-۴۳.
- اسلون‌فیدر، شرلی. (۱۳۸۲). **بار سنگین زنان شاغل**. برگردان مینا اعظامی. تهران: نشر البرز.
- امانی. (۱۳۸۴). **بررسی و مقایسه عزت‌نفس زنان شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان**. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- باگاروزی، دنیس‌ای. (۱۳۸۶). **بهبود بخشی صمیمیت در ازدواج**. ترجمه: رضازاده، محمد رضا؛ پور نقاش تهرانی، سید سعید، انتشارات دانشگاه الزهرا(س).
- حسن زاده، رمضان. (۱۳۹۰). **روانشناسی خانواده**. عشق و ازدواج (مدیریت خانواده). تهران: نشر ساوالان.
- روحانی، عباس، ابوطالبی، حمیرا. (۱۳۸۸). رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان. **تازه‌های روان‌شناسی صنعتی-سازمانی**، سال اول، شماره اول، ۵۵-۶۲.
- شاکرمی، محمد. داورنیا، رضا. زهراکار، کیانوش. گوهری، شیوا. (۱۳۹۳). تاثیر آموزش جنسی بر صمیمیت جنسی زنان متأهل. **مجله روان‌پرستاری**، ۲، ۳۴-۴۲.
- شاه‌سیاه، مرضیه. بهرامی، فاطمه. محبی، سیامک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرضا. **مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی**، (پیاپی ۴۳). ۲۳۳-۲۳۸.

- عسگری، پرویز، پاشا، غلامرضا. آذرکیش، مریم. (۱۳۹۰). مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار. **اندیشه و رفتار**، ۲۱: ۶۰-۵۳.
- فکرت، فرانک. ابراهیمی‌نژاد، غلامرضا. رضوی‌نعمت‌اللهی، ویدا. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین تصویر بدنی و عزت نفس با سازگاری زناشویی در کارمندان زن دانشگاه علوم پزشکی کرمان. **مجله بهداشت و توسعه**، ۴: ۳۱۲-۳۰۴.
- کوچکی‌آباد، مرجان. (۱۳۹۲). **جامعه‌شناختی عوامل موثر بر شکل‌گیری تصویر بدنی منفی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان**. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان دانشگاه اصفهان.
- موحد، مجید، محمدی، نوراله، حسینی، مریم. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه بین رسانه‌ها، تصویر بدن و عزت نفس با عمل و تمایل به آرایش. **مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان**، (۹): ۱۶۰-۱۳۳.
- نائینیان، محمدرضا. نیک‌آذین، امیر. (۱۳۹۱). رابطه صمیمیت و رضایت جنسی با سلامت عمومی و بهزیستی شخصی: بررسی تفاوت‌های جنسیتی و سنی. **تحقیقات علوم رفتاری**، ۱۰، ۷: ۷۴۵-۷۳۵.
- نوایی‌نژاد، شکوه. ۱۳۷۸. **روانشناسی زن**. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- Abbot, B. D. Barber, Bonnie. I. (2010), **Em bodied image : gender differences functional and aesthetic body image among Australion adolencents**. *Body Image*, 7: 22-31.
- Adams, J. M. & Jones, W. H. (1997), The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. **Journal of Personality and Social Psychology**, 72(5), 1177-1196.
- Akhavi, M. (2003), **The relationship between polyroles in marital communication in women**. M. A thesis (in persion).
- Bagarozzi , D. A. (2001), **Enhancing intimacy in marriage. A clinician's guide**, Brunner-Rout Ledge.
- Alexandra E, Mitchell Angel M. Castellani Racheael L, Herrington Jane I, Jospser Brian D, Doss Douglas K , Snyder. (2008). Predictors of intimacy couples discussions of relationship injuries: An observational Study . **Journal of Family P sycology**, 22(1), 21- 29.

- Baghban, a. Moradi, M. (2003), The efficacy of family therapy on marital conflict in divorce request. **Qartely of science & research**: 16, 32-47. (in persion).
- Bakhts S, Najafi S. (2010), Body image and sexual function : Coparsion betwin breast cancer patients. *Proced soc Behav Sienc*, 5: 14. 93-7.
- Bartley, S. J. Judge, W, & Judge S. (2007), Antecedents of marital happiness and career satisfaction: An empirical study of dual career managers. **Journal of business and public affairs**, 1(1); 1-14.
- Cash, T. F, Jacatdar, T. A. Williams, E. Feming. (2004), **The body image quality of life Inventory: further validity with college men and women**: *Body Image*, 1:279-287.
- Edatati A, Redzuan M. (2010), Perception of women towards family values and thei marital satisfaction. **Jornal of American Science**, 6(4) 7-132.
- Erilmaz A, Atak H. (2011), **Investigation of romantic intimacy in emerging adulthood in terms of self esteem, Gender and gender role**. *Educational Science: Theory & Practice*, 11(2), 595- 600.
- Fallon, A. (1990). **Culture in the mirror: socio cultural determinants of body image in: body image development, deviance and change** (ed). By Clash, T. F. & Pruzinsky, T. B. P. . 80-109, New York: the Guilford press.
- Gillen, Meghan M. (2015). **Association betwin positive body image and indicators of mens and womens mental and physical health**, *Body Image*, pages67- 74.
- Harmon D, KH. (2005). **Black men and marriaje: the impact of spirituality, religiosity and marital commitment on marital satisfaction**. Un published doctoral dissertation: Alabama University.
- Hook M. K, Gerstein L. H, Detterich L & Gridly B. (2003). How close are we? Measuring intimacy and examining gender differences. **Journal of counseling & Development**, 81, 462- 473.
- Minnott KL, Pedwrsen D, Mannon S. (2010). The emotional terrain of parenting and marriage: emotion work and satisfaction. **The social scienc** Apr ; 47:747-61.

- Nathawat, S. S. & Mathur, A. (2010). Marital adjustment and subjective well-being in india- Education Housewives and working women. **The Journal of Psychology: Interdisciplinary and applied** 127 (3): 353-358

- Ratra A. & Kaura, P. (2004). Marital preparedness, marital satisfaction and economic status. **Journal of Human Ecology**, 15(1); 27-29.

Sanchez Fuentes. M, Santos Iglesias. p , Sierra J. C. (2014). A systematic review of sexual satisfaction. **International Journal of Clinical and Health Psychology**, 14(1): 67- 75.